



Investigating of the interpretations of restrictive and extensive survey of the legal authority of the persident in Iran

Abbas Taghvaei^{*1}

Abstract

The issue of the authority of the president in Iran is always one of the topics that are in the presidency of Individuals and the beginings of the officals elections in scientific and public circles, and as well as two general views of Mitney on the interpretation of the point of extensive survey, it is true that There is an interstitial View in this regard, because the relationship between these two interpretation (public publicly)is. In this research, with a descriptive analytical review, while reviewing the constitution and the law of determining the scope of the presidency and responsibilities of the Islamic Republic of Iran, we have concluded that even in accordance with the view of destrictive interpretation Also in the scope of the authority of the president as a responsible for the executive of the constitution, the place of conflict is outside the area of the executive branch, not in the executive branch Itseif. And in other words, the implementation of the constitution in the executive branch is located as a common magnitude of the president's at least it is practice of his authority of other laws.

Keywords: President, The authority of president, constitution, The law determine the limits of duties and authority and responsibilities of the Islamic Republic of Iran.

1. Corresponding Author: Islamic Educatin Departement, Lahijan branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran. Email: tahvaei.abbas@yahoo.com



تحلیل دیدگاه‌های متناقض موجود از حدود اختیارات قانونی رییس جمهور در ایران

عباس تقوائی*^۱

چکیده

موضوع حدود اختیارات رئیس‌جمهور در ایران همواره از موضوعاتی است که در اواخر دوران ریاست جمهوری افراد و شروع دوران انتخابات رسمی در محافل علمی و عمومی مطرح می‌شود و معمولاً نیز دو دیدگاه کلی مبتنی بر تفسیر مضیق و در نقطه مقابل تفسیر موسع در این زمینه قابل مشاهده است؛ البته لازم است توجه داشته باشیم که دیدگاه‌های بینابینی نیز در این رابطه وجود دارد، چرا که رابطه میان این دو تفسیر «عموم و خصوص من وجه» است نه «تباین». در پژوهش پیش رو محدودیتهای ناشی از عوامل تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی محل بحث نبوده و از موضع نزاع خارج است، زیرا این عوامل در محدوده وضع قوانین (قوه مقننه) و اجرای آن (قوه قضائیه) نیز وجود دارد و به عبارت دیگر همیشه و برای همه وجود دارند. در این تحقیق با رویکرد تحلیلی - توصیفی و ضمن بررسی «قانون اساسی» و «قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیتهای ریاست جمهوری اسلامی ایران»، به این نتیجه دست یافته‌ایم که حتی مطابق با دیدگاه مبتنی بر تفسیر مضیق نیز در حیطه اختیارات رئیس‌جمهور به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی، محل نزاع در خارج از حیطه قوه مجریه است و نه در خود قوه مجریه و به عبارت دیگر اجرای قانون اساسی در قوه مجریه مسلماً و به عنوان قدر مشترک در دامنه اختیارات رئیس‌جمهور واقع می‌شود و حداقل آن است که هیچ رئیس‌جمهوری در خصوص عدم اختیار در این حوزه نمی‌تواند ادعایی داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: رئیس‌جمهور، اختیارات رئیس‌جمهور، قانون اساسی، قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیتهای ریاست جمهوری اسلامی ایران.

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه معارف اسلامی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

قوه مجریه در ساختار حکومت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. اهمیت این سمت به اندازه‌ای است که اصولاً رئیس این قوه از مقتدرترین و مهم‌ترین اشخاص موجود در شاکله حکومت و دولت و حتی در «نظام‌های ریاستی»، عالی‌ترین مقام اجرایی و نه تنها رئیس دولت، بلکه رئیس حکومت نیز محسوب می‌شود. البته در نظام جمهوری اسلامی، این مقام بعد از مقام رهبری، مهم‌ترین مقام اجرایی کشور می‌باشد؛ با این حال بحث از اختیارات و اقتدار این مقام، از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و لازم است کنکاش‌های علمی جدی در مورد آن بعمل آید.

بطور کلی این موضوع که «آیا اختیارات رئیس جمهور در جمهوری اسلامی ایران بر طبق قوانین کشور محدود است یا گسترده؟» در پایان دوران ریاست جمهوری پیشین (از جانب طرفداران دولت فعلی در حال اتمام) و آغاز ریاست جمهوری جدید (از جانب کاندیداهای ریاست جمهوری)، در همه محافل و مجالس مطرح می‌باشد. در این ایام معمولاً عموم رؤسای جمهور سابق از کمی اختیارات هشت ساله خود (چون در ایران بعد از انقلاب عموم آن‌ها دو دوره رئیس جمهور شده‌اند)، شکایت دارند و این در حالی است که معمولاً کاندیداها با بررسی این اختیارات به تبلیغات انتخاباتی پرشوری پرداخته و وعده‌های متعددی نیز می‌دهند. آن چه که از دل این دو موضع به ذهن متبادر می‌شود، وجود دو دیدگاه است:

الف- دیدگاه مبتنی بر تفسیر موسع قانون؛

ب- دیدگاه مبتنی بر تفسیر مضیق قانون.

در این راستا پژوهش حاضر در مقام پاسخ به این سؤال اصلی است که «آیا اختیارات قانونی رئیس جمهور در راستای انجام وظایف خود کافی است؟» البته ضمن بررسی این موضوع، موضوعاتی مانند «تفوق قوه مجریه بر سایر قوا» و «میزان بهره‌برداری رئیس جمهور از اختیارات قانونی موجود خویش» نیز طبعاً مرد توجه قرار گرفته‌اند.

۱. مبانی نظری پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی به بررسی داده‌های حاصل از جمع‌آوری اطلاعات از منابع کتابخانه‌ای (کتب، مقالات پژوهشی و قوانین مرتبط داخلی و

مصاحبه‌های تخصصی) در موضوع اختیارات رئیس‌جمهور پرداخته است. بحث اصلی با عنایت بر نظام‌های مبتنی بر تفکیک قوا صورت می‌گیرد و سواى سابقه این نظریه در آرای لاک و منتسکیو و نویسندگان قانون اساسی آمریکا، تابعی از دیدگاه‌ها و در نتیجه نظام‌های موجود در ذیل این نظریه می‌باشد. در برخی از این دیدگاه‌ها سه قوه کاملاً جدا از یکدیگرند و همچون جزیره‌هایی جدای از هم هیچ دخالتی در کار هم ندارند (عالیخانی، ۱۳۸۱: ۱۳۸/۳)؛ در حالی که در برخی دیگر نقش یکی از این قوا پررنگ‌تر از سایر قوا بوده و نوعی تفوق یک قوه نسبت به سایر قوا در آن به چشم می‌خورد. حتی اگر دیدگاه اول (تفکیک مطلق قوا) را به درستی ناممکن بدانیم و به دیدگاه مبتنی بر عدم تفوق یک قوه («تعادل و موازنه توأم با هماهنگی») برسیم (مجیدی، ۱۳۸۹: ۱۶۱)، در این حالت نیز مسلماً تقسیم قدرت به طور بالسویه ممکن نخواهد بود.

در مباحث این مقاله ضمن پرداختن به سابقه بحث و توجه به یک سری مباحث مقدماتی و کلیاتی شامل «ویژگی‌های رئیس‌جمهور» و «نحوه انتخاب او» که نشانگر اهمیت این سمت هستند، موضوع در دو قسمت اصلی اختیارات رئیس‌جمهور در «قانون اساسی» و اختیارات رئیس‌جمهور در «قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیتهای ریاست جمهوری اسلامی ایران» مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ چرا که این بحث در حیطه هر دو قانون (حداقل به لحاظ بررسی تاریخی) قابل طرح است. هم‌چنین در این مقاله برای بررسی دقیق موضوع، به «تحولات رخ داده در سیستم حکومتی با توجه به اصلاح قانون اساسی» و «مرجع تنظیم‌کننده روابط قوای سه‌گانه و نحوه رسیدگی به اختلافات میان این قوا» نیز توجه شده و هدف پژوهش حاضر اثبات این فرضیه است که اختیارات رئیس‌جمهور برای انجام وظایفش کافی و وافی است.

پیشینه پژوهش

با بررسی آثار (کتب و مقالات و نوشته‌ها و مصاحبه‌های) مرتبط با موضوع، موارد زیر به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به عنوان سابقه بحث تشخیص داده شد:

الف- علیرضا زم (۱۳۹۴) در مقاله «اصل ۱۱۳ و مسئولیت اجرای قانون اساسی» از میان سه وظیفه رئیس‌جمهور مندرج در اصل ۱۱۳ صرفاً به بررسی نقش ایشان به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی پرداخته و با بیان سه دیدگاه موجود در این خصوص (نظارت بر تمامی نهادها و ارکان حکومتی، نظارت بر سه قوه و نظارت صرف بر قوه مجریه)، قائل به دیدگاه سوم شده است. نویسنده با روش تحلیلی-توصیفی و با توجه به اصول قانون اساسی و بررسی مبانی و سیر تدوین و تصویب اصل ۱۱۳، معنا و مفهوم مسئولیت اجراء، گزارش تفاسیر شورای نگهبان از این اصل، تفسیر فراگیر از مسئولیت اجراء و نقد آن، در نهایت به دیدگاه مختار خود می‌رسد و محدوده مسئولیت و اختیارات رئیس‌جمهور نسبت به اجرای قانون اساسی را محدود به درون قوه مجریه دانسته و قائل به مغایرت تفسیر موسع از اختیارات رئیس‌جمهور با سایر اصول قانون اساسی (از جمله اصول ۱۱۰ و ۵۷ و ۷ و اصول دیگر) شده است.

ب- با جستجوی کلیدواژه «اختیارات رئیس‌جمهور» در فضای مجازی علاوه بر مقاله فوق‌الذکر مقاله دیگری با عنوان «نگرشی نو به امضای قوانین در حقوق اساسی ایران» نوشته مسلم آقایی طوق و محمد رضا دولت رفتار حقیقی (۱۳۹۱) نیز بدست آمد که بطور مستقیم ارتباطی با بحث ما ندارد.

ج- مقاله ابوالفضل درویشوند (۱۳۹۹) با عنوان «محدوده صلاحیت رئیس‌جمهور نسبت به مسئولیت قانون اساسی» دیدگاهی مشابه دیدگاه مقاله علیرضا زم (مقاله اول) دارد و پس از طرح مباحثی نسبتاً مشابه و با توجه به اصلاح قانون اساسی، محدوده اختیارات رئیس‌جمهور در این خصوص را محدود به درون قوه مجریه می‌شمرد.

د- کلیه کتبی که به بررسی «حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته‌اند، طبعاً مبحث مستقلی را به بررسی قوه مجریه اختصاص داده و ضمن آن به بررسی اختیارات رئیس‌جمهور نیز پرداخته‌اند از جمله:

د-۱- «حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران» نوشته دکتر سید جلال‌الدین مدنی (۱۳۷۰) در فصل نهم: «قوه مجریه» از صفحه ۲۸۳ تا صفحه ۳۳۸؛

د-۲- «حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران» نوشته دکتر قاسم شعبانی (۱۳۸۸) در گفتار دوم از مبحث سوم فصل سوم: «قوه مجریه» از صفحه ۲۰۳ تا صفحه ۲۱۸؛

د-۳- «آشنایی با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» نوشته مهدی نظریور (۱۳۸۷) در فصل پنجم: «قوه مجریه» از صفحه ۱۱۵ تا صفحه ۱۴۰؛

د-۴- «سرگذشت قانون اساسی در سه کشور ایران، فرانسه و آمریکا» نوشته محمد زرننگ (۱۳۸۴) در بخشی از گفتار دوم از فصل سوم بخش دوم: «ساختار حکومت» در بحث «تفکیک قوا» در صفحه ۱۵۷ و بخشی از گفتار دوم فصل چهارم بخش دوم: «تمرکز در قوه مجریه» از صفحه ۱۷۹ تا صفحه ۱۸۳ و البته با استفاده از این اثر می‌توان به نوعی به مقایسه اختیارات رئیس‌جمهور در ایران با فرانسه (صفحات ۲۸۲-۲۸۸) و آمریکا (صفحات ۳۵۳-۳۵۵) نیز پرداخت؛

د-۵- «آشنایی با نظام جمهوری اسلامی ایران» نوشته عباسعلی عظیمی (۱۳۹۰) در فصل ششم: «ریاست جمهوری» از صفحه ۸۳ تا صفحه ۹۸؛

با توجه به سیر تاریخی تحولات پس از انقلاب اسلامی و اصلاح قانون اساسی و تغییر ساختار قوه مجریه، عموم بررسی‌های صورت گرفته وضعیت اختیارات رئیس‌جمهور را در دو دوره قبل و بعد از اصلاح قانون اساسی با هم مقایسه می‌کنند و موضوع اصلی مورد بحث آنان صلاحیت رئیس‌جمهور به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی است. نوآوری این مقاله در این است که ضمن توجه و استفاده منابع فوق‌الذکر، محدوده بحث منحصر در اختیارات رئیس‌جمهور به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی نشده است و این پژوهش با توجه به دامنه بحث می‌تواند مکملی بر مباحث پیشین باشد.

۳. کلیات بحث

برای ورود به بحث اصلی لازم است نگاهی گذرا به «ویژگی‌های رئیس‌جمهور» و «نحوه انتخاب او» داشته باشیم. حساسیت‌های قانون در این دو موضوع بطور مستقیم به بحث ما مرتبط می‌شود؛ چرا که نشان‌گر اهمیت ویژه این سمت در ساختار قوای حاکمه می‌باشد.

۳-۱. ویژگی‌های رئیس‌جمهور

بر طبق اصل ۱۱۳ قانون اساسی رئیس‌جمهور بعد از مقام رهبری «عالی‌ترین مقام رسمی کشور» است و با توجه به حساسیت این سمت و وظایف سنگینی که بر عهده رئیس‌جمهور است، قانون اساسی برای کاندیداهای این سمت شرایطی را در نظر گرفته است که تشخیص واجد شرایط بودن یا نبودن این افراد بر عهده شورای نگهبان است. اصل ۱۱۵ شرایط متنوعی را برای رئیس‌جمهور به شرح زیر در نظر می‌گیرد:

- از «رجال مذهبی و سیاسی» و به عبارت دیگر دارای شخصیت برجسته و صاحب‌عنوان از لحاظ سیاسی باشد؛

- «ایرانی‌الاصل» یعنی از نظر نژاد و ریشه ایرانی باشد؛

- «تابعیت ایران» را داشته باشد، یعنی در لحظه کاندیدا شدن تابعیت ایرانی خود را حفظ کرده باشد؛

- «مدیر و مدبر» باشد یعنی توانایی انجام این کار را با عنایت به سوابق مدیریتی پیشین خود داشته و آینده‌نگر باشد؛

- دارای «حسن سابقه و امانت [داری]» برای در اختیار گرفتن این امانت بزرگ باشد؛

- «مؤمن و معتقد به مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور» باشد؛

- «با تقوا و خداترس» باشد.

ذکر این همه شرایط متعدد برای کاندیدای ریاست جمهوری را نشانه اهمیت این سمت و سنگینی وظایف وی دانسته‌اند (مدنی، ۱۳۷۰: ۲۸۸-۳۰۰).

۲-۳. اصول و تشریفات حاکم بر نحوه انتخاب رئیس جمهور

یک سلسله اصول و تشریفات هستند که حتما باید در انتخابات ریاست جمهوری مورد تبعیت و رعایت واقع شوند. با استنباط از قانون اساسی، مهم‌ترین اصول لازم‌الاتباع در این خصوص به شرح زیر هستند:

- «اصل نظارت شورای نگهبان» بر انتخابات (تصریح شده در اصول ۹۹ و ۱۱۸ قانون اساسی)؛

- «اصل یک درجه‌ای و مستقیم بودن انتخابات» ریاست جمهوری (مصرحه در اصل ۱۱۴ قانون اساسی)؛

- «اصل برگزاری انتخابات قبل از اتمام دوره ریاست جمهوری» (برای جلوگیری از خالی ماندن پست ریاست جمهوری)؛

- «اصل تعدد نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری» (جهت برگزاری یک انتخابات واقعی)؛
 - «اصل انتخاب رئیس جمهور با اکثریت مطلق» (نصف به اضافه یک رای) در «دور اول» و با «اکثریت نسبی» (بیشترین رای) در صورت رسیدن انتخابات به «دوره دوم»؛
 - «اصل برگزاری قانونی انتخابات» (تصریح شده در اصل ۱۱۶ قانون اساسی) یعنی بر برگزاری انتخابات دقیقاً منطبق بر قانون (مدنی، ۱۳۷۰: ۲۹۰-۲۹۳).
- به علاوه تشریفات خاصی نیز برای پس از انجام انتخابات در نظر گرفته شده است. از باب مثال نتیجه انتخابات در دو مرحله زیر اعلام می‌شود:

یکی «صدور اعتبارنامه» که بعد از طرح شکایت در هیئت‌های اجرائی، ظرف مدت ۲۴ ساعت در جلسه مشترک هیئت اجرائی و ناظران شورای نگهبان به این شکایات رسیدگی می‌شود و نتیجه را صورتجلسه کرده و به وزارت کشور اعلام می‌کنند و بعد در صورتی که شورای نگهبان بعد از رسیدگی‌ها به این نتیجه برسد که انتخابات صحیح صورت نگرفته و در یک شعبه یا چند شعبه از جریان عادی خارج شده، در این شعبات انتخابات را باطل اعلام می‌کند. در هر صورت شورای نگهبان در مدت یک هفته و نهایتاً تا ۱۰ روز پس از دریافت نتایج انتخابات ریاست جمهوری، نظر قطعی خود را نسبت به انتخابات اعلام می‌کند و اگر نظرش به صحت باشد، به صدور اعتبارنامه می‌پردازد. صدور اعتبارنامه از سوی شورای نگهبان به معنای این نیست که همه شکایات و همه اعتراضات و همه ایراداتی که به انتخابات وارد شده، مردود بوده و انتخابات به طور کل در کمال صحت برگزار شده، بلکه بدین معناست که شخصی که به عنوان رئیس جمهور انتخاب شده، منتخب مردم است و مواردی که تخلف صورت گرفته نمی‌توانسته در مجموع آراء تأثیرگذار باشد.

دوم «امضای حکم ریاست جمهوری» که به «تنفیذ» مشهور شده است. تنفیذ حکم ریاست جمهوری از جانب مقام معظم رهبری صورت می‌گیرد و این تنفیذ تا زمانی اعتبار دارد که ریاست جمهوری بر طبق موازین لازم شرعی و قانون رفتار کند.

بر طبق بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی وقتی کار انتخابات ریاست جمهوری به پایان می‌رسد که حکم ریاست جمهوری پس از انتخاب رئیس جمهور توسط مردم، از جانب مقام معظم رهبری «امضاء» شود و طبق اصل ۱۲۱ قانون اساسی رئیس جمهور در مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ای که با حضور رئیس قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان تشکیل می‌شود، به ادای «سوگند» پردازد (مدنی، ۱۳۷۰: ۲۹۸-۳۰۱).

رئیس جمهور و اعضای کابینه‌اش حق ندارند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند، تا بتوانند با تمرکز بر کار خود، وظایف خویش را به نحو احسن انجام دهند؛ البته در این خصوص چند مورد استثناء نیز وجود دارد: «عضویت در هیئت مدیره و یا مدیریت عامل شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات دولتی، سمت‌های آموزشی در دانشگاهها و مؤسسات تحقیقاتی» (مدنی، ۱۳۷۰: ۳۲۷-۳۲۸؛ مجیدی، ۱۳۸۹: ۲۴۲). اصول حاکم بر انتخابات ریاست جمهوری، اعلام چند مرحله‌ای نتیجه این انتخابات و محدودیت رئیس جمهوری در داشتن مشاغل دیگر نیز نشان‌گر اهمیت ویژه این سمت می‌باشند.

۴. اختیارات قانونی رئیس جمهور در ایران

برای بررسی اختیارات رئیس جمهور در قوانین کشور ما باید به بررسی قسمتهای مربوطه در «قانون اساسی» و همچنین کل «قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیتهای ریاست جمهوری اسلامی ایران» پردازیم.

۴-۱. اختیارات رئیس جمهور در «قانون اساسی»

قانون اساسی ضمن آن که در یک قسمت مستقل یعنی مبحث اول فصل نهم تحت عنوان «ریاست جمهوری و وزراء» در قالب ۳۰ اصل (اصول ۱۱۳ تا ۱۴۲) به این موضوع پرداخته، در سائر قسمت‌ها نیز به تناسب به آن اشاراتی دارد. چون منابع اقتدارات و اختیارات رئیس‌جمهور را در محدوده قوه تحت ریاست مستقیم وی (قوه مجریه) و فراتر از آن مورد توجه قرار می‌دهند (مدنی، ۱۳۷۰: ۳۰۱-۳۲۰؛ زرننگ، ۱۳۸۴: ۱۸۳-۱۸۵)، ما نیز مباحث مربوط به اختیارات رئیس‌جمهور در «قانون اساسی» را بر همین مبنا در دو قسمت اختیارات درون قوه مجریه و اختیارات فراتر از آن مورد بررسی قرار خواهیم داد.

الف- اهم اختیارات رئیس‌جمهور در درون قوه مجریه عبارتند از:

- «ریاست هیأت وزیران» و نظارت بر کار وزرا و ایجاد هماهنگی میان آنان با هیأت دولت و تعیین برنامه و خط مشی دولت و اجرای آن با هماهنگی وزیران (اصل ۱۳۴)؛
- «اعمال قوه مجریه» جز در اموری که در قانون اساسی به طور مستقیم بر عهده رهبری است (اصل ۶۰)، که بعداً به این استثنائات اشاره خواهیم داشت؛
- اختیار انتخاب معاونانی «برای انجام وظایف قانونی خود» که از میان آن‌ها معاون اول با موافقت او نقش «اداره هیأت دولت و و مسئولیت هماهنگی سایر معاونت‌ها» را بر عهده دارد (اصل ۱۲۴)؛
- تعیین وزرا و معرفی آنان به مجلس جهت اخذ رأی اعتماد (اصل ۱۳۳)، که بر همین مبنا در اصول بعد به مسئولیت وزرا در مقابل رئیس‌جمهور (و مجلس) اشاره شده است (اصل ۱۳۷). ضمناً قبول استعفای وزیران و تعیین سرپرست برای وزارتخانه به مدت ۳ ماه (اصل ۱۳۵) و امکان عزل وزرا (اصل ۱۳۶) نیز از جمله اختیارات اوست؛
- اختیار انتخاب مشاورانی به تعداد نامشخص که این اختیار از مضمون اصل ۷۰ قانون اساسی قابل استنباط است؛

- تعیین نماینده ویژه با اختیارات مشخص در موارد خاص و بر حسب ضرورت، البته پس از تصویب هیأت وزیران که تصمیم این نماینده ویژه در آن مورد خاص در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیأت وزیران است (اصل ۱۲۷).

ب- مهم ترین وظایف و اختیارات رئیس جمهور فراتر از قوه ای که مستقیماً تحت ریاست اوست (قوه مجریه)، عبارت‌اند از:

- عضویت در شورای سه نفره موقت رهبری (اصل ۱۱۱)؛

- عضو «شورای بازرنگری قانون اساسی» (بند ۲ اصل ۱۷۷)، ضمن آن که طبق فراز ابتدایی همین اصل ۱۷۷ نقشی ویژه در این خصوص دارد، چرا که «مقام رهبری پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام طی حکمی خطاب به رئیس جمهور موارد اصلاح یا متمیم قانون اساسی را به شورای بازرنگری قانون اساسی [...] پیشنهاد می‌نماید» (اصل ۱۷۷)؛

- عضویت در «شورای عالی امنیت ملی» و ریاست مستقیم یا غیرمستقیم (با تعیین یکی از اعضای شورای عالی برای ریاست) شوراهای فرعی آن (اصل ۱۷۶)، که طبق همین اصل این شورا وظایف مهمی نظیر «تعیین سیاستهای دفاعی - امنیتی کشور در محدوده سیاستهای کلی تعیین شده از طرف مقام رهبری» (بند ۱)، «هماهنگ نمودن فعالیتهای سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاعی - امنیتی» (بند ۲) و «بهره گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی» (بند ۳)؛

- مسئولیت اداره مستقیم و یا غیرمستقیم (با واگذاری اداره آنها به دیگری) «امور برنامه و بودجه کشور» (اصل ۱۲۶)؛

- مسئولیت مستقیم و یا غیرمستقیم (با واگذاری اداره آنها به دیگری) «امور اداری و استخدامی کشور» (اصل ۱۲۶)؛

- وظیفه امضای مصوبات مجلس و نتایج همه‌پرسی «پس از طی مراحل قانونی و ابلاغ به وی» و سپس ارجاع آن‌ها به مسئولان جهت اجراء (اصل ۱۲۳)؛

- وظیفه «امضای عهدنامه‌ها، مقاوله نامه‌ها، موافقت نامه‌ها و قراردادهای دولت ایران با سایر دولتها و همچنین امضای پیمان‌های مربوط به اتحادیه‌های بین‌المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی» که توسط خود او و یا نماینده‌های که توسط او تعیین می‌شود، صورت می‌گیرد (اصل ۱۲۵)؛

در جمع‌بندی مطالب مربوط به اختیارات رئیس‌جمهور بر مبنای قانون اساسی، باید به موارد زیر توجه نمود:

الف- مسلم آن است که اصلاح قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ با تمرکز قدرت در دست رئیس‌جمهور، اختیارات وی را نسبت به قانون اساسی اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی افزایش داده است؛

ب- قانون اساسی با وضع شرایط سنگین برای نامزد ریاست جمهوری و نحوه انتخاب رئیس‌جمهور و همچنین قرار دادن وی پس از مقام معظم رهبری به عنوان دومین مقام سیاسی کشور، حساسیت آن را به نمایش گذاشته و موقعیت وی را تقویت نموده است؛

ج- وظایف بسیار متنوع رئیس‌جمهور نظیر ابلاغ قوانین جهت اجرای آن‌ها، امضای معاهدات بین‌المللی و امور دیگر (که ذکر آن آمد)، نیز نشان‌گر اهمیت ویژه این جایگاه می‌باشد؛

د- حتی اگر بپذیریم که مسئولیت رئیس‌جمهور به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی محدود به اجرای آن در قوه مجریه شده باشد (زم، ۱۳۹۴؛ درویشوند، ۱۳۹۹)، باز در مجموع این به معنای کم بودن اختیارات وی نخواهد بود.

۴-۲. اختیارات رئیس جمهور در «قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیتهای ریاست جمهوری اسلامی ایران»

این قانون که در تاریخ ۱۳۶۵/۸/۲۲ به تصویب مجلس رسیده و به فاصله کوتاهی در تاریخ ۱۳۶۵/۹/۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده، شامل ۴ فصل و ۱۹ ماده و ۵ تبصره می‌باشد. باید توجه داشته باشیم که تاریخ تصویب این قانون مربوط به قبل از اصلاح قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ بوده و لذا مواردی از آن در دوران پس از اصلاح قانون اساسی مبتلا به نیست. ما در اینجا به ذکر ماده‌های مرتبط با بحث خود خواهیم پرداخت. در فصل اول که مربوط به «وظایف و اختیارات رئیس جمهوری به عنوان رئیس قوه مجریه» است، مواد زیر قابل ملاحظه است:

- در بخش اول فصل اول که تحت عنوان «معرفی نخست وزیر و عزل و نصب وزراء و استغفای آنان» حاوی ۴ ماده (از ماده ۱ تا ۴) است و در ماده ۱ آن عیناً به همین عنوان اشاره شده است؛

- بخش دوم فصل اول «در تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌ها، عهدنامه‌ها، مقاوله نامه‌ها، قراردادها و پیمان‌های بین‌المللی» و شامل ۷ ماده (از ماده ۵ تا ۱۲) است. طبق ماده ۵ امکان تشخیص مخالفت تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌ها با قانون توسط رئیس جمهور و دستور توقف آن و طبق تبصره آن استنباط رئیس جمهور در این خصوص بر نظر اعضای هیأت دولت ارجحیت دارد. طبق ماده ۶ امضای عهدنامه‌ها، مقاوله نامه‌ها و قراردادها، خارجی پس از تصویب مجلس بر عهده رئیس جمهور یا نماینده قانونی اوست. طبق ماده ۷ اعطای نشان‌های دولتی کشوری (پس از پیشنهاد وزیر مربوطه و تصویب هیأت دولت) و لشکری (پس از پیشنهاد رئیس ستاد مشترک و تصویب فرمانده کل قوا یا نماینده ایشان) با رئیس جمهور است.

- عنوان بخش سوم فصل اول «انتخابات و همه پرسی» می‌باشد که برای «انتخابات» دو ماده (مواد ۸ و ۹) و برای «همه‌پرسی» یک ماده (ماده ۱۰) ذکر کرده است. طبق ماده ۸ این رئیس‌جمهور است که در زمان جنگ و اشغال نظامی (طبق تبصره همین ماده بر اساس گزارش وزارت کشور) توقف انتخابات در یک یا چند حوزه انتخابیه را به مجلس اعلام می‌کند و ماده ۹ نیز همین موضوع را در خصوص انتخابات مجلس مطرح می‌سازد. ماده ۱۰ نیز به امضای نتیجه همه‌پرسی ظرف ۵ روز پس از ابلاغ به وی، ابلاغ آن جهت اجرا اشاره می‌کند.

- در بخش چهارم تحت عنوان «در روابط خارجی» دو ماده (مواد ۱۱ و ۱۲) وجود دارد. مطابق ماده ۱۱ امضای استوارنامه سفرا پس از معرفی توسط وزیر امور خارجه و طبق تبصره همین ماده، تحویل استوارنامه سفرای خارجی پس از تأیید وزارت امور خارجه با رئیس‌جمهور است. طبق ماده ۱۲ نیز شرکت در کنفرانس‌ها و اجلاس‌های بین‌المللی که در سطح «عالی‌ترین مقام اجرایی کشور» تشکیل می‌شود، با رئیس‌جمهور است.

در فصل دوم تحت عنوان «مسئولیت رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی» و در قالب ۴ ماده (مواد ۱۳ تا ۱۶) به یکی از مهم‌ترین مباحث مرتبط با بحث ما پرداخته شده است. طبق ماده ۱۳ به رئیس‌جمهور اختیار داده شده که «به منظور اجرای قانون اساسی» و در اجرای اصل ۱۱۳ آن، «از طریق نظارت، کسب اطلاع، بازرسی، پیگیری» به بررسی و اقدام لازم در زمینه اجرای قانون اساسی بپردازد. در ماده ۱۴ به اقدام وی در برخورد با برخی موارد توقف یا عدم اجرای برخی اصول قانون اساسی پرداخته و بر این تصریح شده که او می‌تواند در این خصوص از عالی‌ترین مقام مربوطه توضیح بخواهد و این مقام نیز موظف به ارائه توضیح تفصیلی می‌باشد. در ماده ۱۵ نیز به صراحت ذکر شده که «به منظور اجرای صحیح و دقیق قانون اساسی، رئیس‌جمهور حق اخطار و تذکر به قوای سه‌گانه کشور را دارد». طبق ماده ۱۶ نیز «ارائه آمار موارد توقف، عدم اجرا، نقض و تخلف از قانون اساسی» به صورت یک بار در سال، با رئیس‌جمهور است.

فصل سوم در دو ماده (مواد ۱۷ و ۱۸) به «نهاد ریاست جمهوری» اختصاص یافته و در ماده ۱۷ به اختیار رئیس جمهور در تشکیل این نهاد (به عنوان یک شخصیت حقوقی و در راستای اداره کشور) در ماده ۱۸ آن نیز به این اختیار وی در تشکیل سازمان و تشکیلات امور استخدامی این نهاد (البته با همکاری سازمان امور اداری و استخدامی کشور) اشاره دارد.

در فصل چهارم نیز در قالب آخرین ماده (ماده ۱۹) به «نحوه رسیدگی به اتهامات و شکایات مربوط به رئیس جمهور» پرداخته شده که از موضوع بحث ما خارج است.

در جمع بندی و آنالیز «قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت های ریاست جمهوری اسلامی ایران» می توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف- بخش هایی از این قانون با عنایت به اصلاح قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ و تغییرات رخ داده در آن دیگر اصلا مبتلابه نیست؛

ب- بسیاری از مواد این قانون تقریباً تکرار عین مفاد ذکر شده در اصول قانون اساسی در این رابطه بوده و توضیح مازادی بر آن ندارد؛

ج- دسته بندی مطالب در آن (فصل بندی، بخش بندی و سایر تقسیمات دیگر) بسیار به هم ریخته بوده و از یک نظم منطقی برخوردار نیست؛

د- در زمینه محدوده اختیارات رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی، این قانون دیدگاه موسعی داشته و به طور صریح این دامنه را از داخل قوه مجریه به داخل سایر قوا نیز تسری می دهد.

۵. تحولات سیستم حکومتی در بستر تغییر قانون اساسی

مسئله بخشی از تغییرات قانون اساسی در بستر تاریخ مبتنی بر چگونگی توزیع قدرت بین ارکان حکومت و باز توزیع آن بوده است. بعد از انقلاب سال ۵۷، سوای مرحله اول تدوین قانون اساسی پس از انقلاب، اصلاح آن در یک مرحله و پس از ده سال صورت پذیرفت. توجه به جایگاه قوه مجریه و اختیارات رئیس جمهور جز در چهارچوب نوع نظام حاکم بر ایران مقدور نیست؛ چرا که به لحاظ ویژگی‌های نظام‌های ریاستی و پارلمانی و نوع ساختار موجود در این نظام‌ها (شعبانی، ۱۳۸۸: ۷۱-۷۳؛ حبیب زاده و برومند، ۱۳۹۱؛ پیرعلی، ۱۳۹۶)، نمی‌توان الزاماً جمهوری اسلامی ایران را در یکی از این سیستم‌ها و دسته‌ها قرار داد؛ البته این نظر وجود دارد که نظام قبل از اصلاح قانون اساسی در سال ۶۸ مبتنی بر نوعی امتزاج و ترکیبی از این دو نظام و به عبارتی نظام نیمه ریاستی و نیمه پارلمانی بوده و حتی اصلاح قانون اساسی نیز تغییری در آن ایجاد نکرده است (شعبانی، ۱۳۸۸: ۷۱-۷۳؛ حبیب زاده و برومند، ۱۳۹۱)؛ که البته در این مورد اخیر جای بحث وجود دارد. جالب آن است که امام خمینی (ره) در پیام سال ۱۳۵۸ خود در مورد همه پرسش‌های قانون اساسی، به اشکالات موجود در قانون اساسی توجه و ضمن بیان برخی دلایل لزوم بازنگری در آن، به «روشن نبودن دامنه اختیارات قوه مجریه و نیز تداخل اختیارات رئیس جمهور و نخست وزیر» اشاره می‌کنند (عمید زنجانی، ۱۳۸۵: ۵۹۶-۶۰۲). هم‌چنین ایشان ضمن نامه اردیبهشت ۱۳۶۸ به رئیس جمهور نیز با اشاره به لزوم بازنگری قانون اساسی و تعیین اعضای شورای بازنگری قانون اساسی، از جمله مسائل موجود در این زمینه را «تمرکز در مدیریت قوه مجریه» می‌شمرند (زرنگ، ۱۳۸۴: ۱۷۹-۱۸۳؛ هاشمی، ۱۳۸۰: ۶۳-۶۴؛ ناصحی، ۱۳۷۸: ۲۱۶).

بررسی اجمالی سیر تاریخی موضوع در اینجا راهگشاست: ظاهراً سید محمد خاتمی رئیس‌جمهور وقت دولت اصلاحات بحث «لوايح دوقلو» را برای تعیین «حدود اختیارات رئیس‌جمهور به عنوان مسئول اجرای قانون اساسی» مطرح و به مجلس ارائه داد؛ هرچند که بعداً آن را پس گرفت. ضمناً این مسئله نیز شایع گردید که ایشان رئیس‌جمهور را «تدارک‌کاتچی» خوانده است که البته این موضوع توسط ایشان تکذیب گردید. اختلافات بین مجلس هشتم و دولت دهم در سال ۱۳۹۰ نشان‌گر ادامه مشکلات ناشی از چگونگی توزیع قدرت در ساختار جدید پس از اصلاح قانون اساسی بود که موجب گردید مقام معظم رهبری صحبت از احتمال بازنگری در قانون اساسی و حتی بررسی احتمالی ایجاد نظام پارلمانی را پیش بکشند؛ چرا که در ساختار جدید انتخاب مستقیم رئیس‌جمهور توسط مردم، او را به عنوان مظهر حاکمیت ملی معرفی و تفسیر موسعی از اختیارات او در اجرای قانون اساسی ارائه و موجب تقویت موقعیت وی در مقابل مجلس شده بود (حبیب‌زاده و برومند، ۱۳۹۱: ۸۲-۸۵). طرح این موضوع در سفر ایشان به کرمانشاه واکنش‌هایی را به همراه داشت. با اینحال نظر به نقش ساختار سیاسی در توزیع قدرت سیاسی، موضوع تغییر نظام کشور به سوی نظام پارلمانی از این زمان مورد توجه نویسندگان قرار گرفته و مطالعاتی حول آن صورت پذیرفته است (حبیب‌زاده و برومند، ۱۳۹۱: ۷۵-۱۰۵؛ پیرعلی، ۱۳۹۶: ۱۳۴-۱۵۳). در دوازدهمین دوره ریاست جمهوری، دولت روحانی نیز در نیمه سال سوم دوره دوم ریاست جمهوری (اسفند ۱۳۹۸)، با تهیه پیش‌نویس لایحه‌ای برای افزایش اختیارات رئیس‌جمهور آن را به کمیسیون لوایح هیأت دولت ارائه داد؛ هرچند که برخی از موافقان دولت (با مقایسه دولت روحانی با دولت احمدی‌نژاد)، معتقد بودند در شرایطی که دولت روحانی (برعکس دولت احمدی‌نژاد) از اختیارات موجود خود چنان‌که باید بهره نمی‌برد، حتی اگر این لایحه تصویب هم بشود، به درد دولت وی نخواهد خورد (زیباکلام، ۱۳۹۸/۱۲/۲۱). روحانی در سال ۱۳۹۸ و با حضور فعالان سیاسی اعلام کرد که میان انتظارات از دولت و اختیارات آن توازن وجود ندارد. وی هم‌چنین با پیش‌کشیدن بحث مدیریت واحد در زمان جنگ، لزوم چنین مدیریتی را در زمان جنگ اقتصادی مطرح و فرماندهی آن را به رهبری پیشنهاد کردند که مقام معظم رهبری مدیریت این امر را با خود وی دانستند.

از نظر مقام معظم رهبری در قانون اساسی بیشترین «امکانات و توانایی» در بین مسئولان برای رئیس‌جمهور در نظر گرفته شده است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۲/۱۱). ایشان در بیانات خود در مراسم بیست و هشتمین سالروز رحلت حضرت امام خمینی (ره) مجدداً ضمن تأکید بر اختیارات گسترده رئیس‌جمهور در قانون اساسی، امکانات موجود و در اختیار وی را برای تحقق امور و وعده‌های انتخاباتی کافی دانستند (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۳/۱۴). ایشان در سخنرانی نوروزی سال ۱۴۰۰ خود خطاب به ملت ایران نکاتی را در خصوص انتخابات ریاست جمهوری در پیش رو (۱۳امین دوره) مطرح و در بیان نکته دوم ضمن مقایسه اختیارات رئیس‌جمهور با سایر مسئولان، بر این نکته تأکید کردند که «ریاست جمهوری خیلی مسئله مهمی است؛ یعنی مهم‌ترین و مؤثرترین مدیریت کشور، ریاست جمهوری است. این که حالا بعضی‌ها می‌گویند رئیس‌جمهور اختیاراتی ندارد، رئیس‌جمهور تدارکاتچی است، رئیس‌جمهور دوازده درصد یا پانزده درصد اختیارات دارد - چه جوری هم محاسبه می‌کنند من نمی‌دانم! چند سال است که از این حرف‌ها گاهی گوشه کنار زده می‌شود - همه این‌ها خلاف واقع است؛ یا از روی بی‌مسئولیتی گفته می‌شود، یا از روی بی‌اطلاعی گفته می‌شود، یا خدای نکرده غرض‌ورزی‌ای در کار است. این جوری نیست؛ رئیس‌جمهور [ای] یکی از پُرمشغله‌ترین و پُرمسئولیت‌ترین دستگاه‌ها است؛ یعنی نمی‌شود گفت «یکی از»؛ رئیس‌جمهور از همه مدیریت‌های کشور پُرمشغله‌تر و پُرمسئولیت‌تر است؛ تقریباً همه مراکز مدیریتی کشور در اختیار رئیس‌جمهور است؛ یعنی فرض کنید که قوه قضائیه یا دستگاه‌های نظامی خب مدیریت‌هایی دارند؛ این‌ها در قبال مدیریت‌هایی که در قوه مجریه هست، یک اندکی بالاتر از صفرند یا چند درصد مختصرند. عمده نزدیک به همه مدیریت‌های کشور که هزاران مدیریت است، در اختیار رئیس‌جمهور مجریه است. همه بودجه مصوب کشور در اختیار رئیس‌جمهور است، چون رئیس [سازمان] برنامه و بودجه معاون رئیس‌جمهور است و مستقیم زیر نظر ریاست جمهوری است. امکانات حکومتی کشور هم همین‌طور، اکثر و اغلب در اختیار رئیس‌جمهور است. بنا بر این، مدیریت‌های دیگر در جنب قوه مجریه در واقع چیزی نیستند. ریاست جمهوری یک چنین جای مهمی است. حالا شما می‌خواهید رئیس‌جمهور انتخاب بکنید؛ ببینید که چه مسئولیتی بر عهده من و شما است که باید برویم رأی بدهیم. البته رأی بنده با رأی یک پسر

شانزده هفده ساله یک اندازه وزن دارد؛ هیچ کم و زیاد نیست. ما می‌خواهیم برویم رأی بدهیم یک رئیس‌جمهور انتخاب بکنیم؛ توجه کنیم به اینکه چه مسئولیتی بر دوش رئیس‌جمهور است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۱/۱).

در انتها لازم به ذکر است کسانی که به بررسی مجموع اختیارات قوه مجریه در مقابل سایر قوا و علی‌الخصوص قوه مقننه پرداخته‌اند، اگرچه قائل به اقتدار نسبی قوه مقننه نسبت به قوه مجریه شده‌اند ولی باز بر افزایش اختیارات رئیس‌جمهور پس از اصلاح قانون اساسی در سال ۶۸ تأکید دارند (هوشیار، ۱۳۹۶) و حتی آن‌هایی که برتری قوه مقننه بر روی کاغذ (طبق قوانین مدون) را پذیرفته‌اند، حداقل بر برتری قوه مجریه در عمل اصرار دارند و بحث از کمبود اختیارات قوه مجریه و رئیس‌جمهور را دارای ماهیت سیاسی و نه حقوقی و حتی نوعی فرار از پاسخ‌گویی قلمداد می‌کنند. از نظر این گروه از صاحب‌نظران در کشور ما مجلس نیز چندان که باید از اختیارات خود در مقابل دولت بهره نمی‌برد، در صورتی که در کشوری مثل آمریکا (که اختیارات رئیس‌جمهور بیشتر است)، کنگره بیشتر از اختیارات خویش استفاده می‌کند و این در حالی است که اختیارات رئیس‌جمهور ما در نظام کنونی از اختیارات رئیس‌جمهور در کشورهایی مثل فرانسه و لبنان (که نظامی مشابه ما دارند)، بیشتر می‌باشد (بهادری جهرمی، ۱۴۰۰).

۶. مرجع تنظیم‌کننده روابط میان قوای سه‌گانه و نحوه رسیدگی به اختلافات میان آن‌ها

مطابق بند ۷ اصل ۱۱۰ قانون اساسی مرجع رسیدگی به اختلافات و تنظیم روابط میان قوای سه‌گانه از وظایف رهبر جمهوری اسلامی دانسته شده است. در این راستا مقام معظم رهبری بر مبنای ذیل اصل مذکور و طی یک عمل ابتکاری برای رسیدگی به این موضوع «هیأت عالی حل اختلاف و تنظیم قوای سه‌گانه» را به عنوان یکی از ارکان نظام جمهوری اسلامی مطرح و اعضای آن را نیز در مرداد ۱۳۹۰ تعیین و آیت الله سید محمود شاهرودی را به عنوان اولین رئیس این هیأت تعیین نمود. در این سال اختلاف میان رئیس‌جمهور (احمدی‌نژاد) با سایر قوا و علی‌الخصوص مجلس شورای اسلامی بالا گرفته بود. وظیفه این هیأت آن بود که در موارد اختلافی برای رفع آن و همچنین تنظیم روابط قوای سه‌گانه با هم به ارایه نظرات مشورتی بپردازد که این نظرات مشورتی در نهایت می‌بایست از سوی رهبر مورد تأیید واقع شوند (غمامی و خلف رضایی، ۱۳۹۲: ۶۱-۷۹؛ گرجی ازندیانی و رضایی، ۱۳۹۳: ۱۱۳-۱۴۱؛ پوررضایی فشخامی و عباسی لاهیجی، ۱۳۹۸: ۶۵-۸۳). فعالیت اعضای این هیأت برای یک دوره جدید پنج‌ساله از تابستان ۱۳۹۵ مورد تمدید واقع گردید و در کل مواردی به آن ارجاع گردید (مثل برنامه پنجم توسعه در دوران احمدی‌نژاد و مسئله مینو خالقی در زمان روحانی)؛ با این حال انتظار بیشتری از این هیأت می‌رود که در سایه افزایش فعالیت‌هایش قابل رفع خواهد بود.

نتیجه‌گیری

در نهایت باتوجه به مباحث مطرح شده و البته فارغ از محدودیت‌های ناشی از عوامل جغرافیایی، تاریخی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی موجود فراروی تمامی تصمیم‌گیرندگان، می‌توان در خصوص اختیارات رئیس‌جمهور به موارد زیر اشاره نمود:

الف- قدرت عالی سیاسی مقام ریاست جمهوری در سمت دومین مقام کشوری (در طول مقام رهبری) بسیار قابل توجه بوده و شرایط سنگین انتخابات و شرایط ویژه و متعدد کاندیداهای این پست و همچنین رقابت بسیار میان گروه‌های مختلف سیاسی موجود برای در اختیار گرفتن این سمت، تأییدی بر اهمیت ویژه این جایگاه مهم است.

ب- بررسی اختیارات رئیس‌جمهور در قانون اساسی نیز نشان‌گر اهمیت خاص این جایگاه و نقش ویژه آن در اداره امور کشور است؛ ضمن آن‌که بطور کاملاً مشخص در قانون اساسی اختیاراتی بیشتر از اختیارات رؤسای سایر قوا در داخل و خارج از قوه تحت امر خویش، برای رئیس‌جمهور در نظر گرفته شده است که تنوع آن نیز بسیار چشمگیرتر از سایر مسئولان نظام نیز هست.

ج- قانون اساسی پس از اصلاح سال ۶۸ با تمرکز قدرت قوه مجریه در دست رئیس‌جمهور، اختیارات وی را نسبت به قبل از آن، به نحو چشمگیری افزایش داده است؛ ضمن آن‌که اغلب اختیارات نخست‌وزیر در سیستم قبلی نیز (جز در موارد اندک) به رئیس‌جمهور منتقل شده است. د- هیئت وزیران و بخش اعظم نیروی انسانی کشور در اختیار دولت وی است. او به طور مستقیم و غیرمستقیم (با تعیین جانشین) بر حدود چهل شورا و شورایی عالی تصمیم‌ساز کنترل و ریاست دارد و به عنوان مثال ریاست شورایی عالی امنیت ملی با دامنه گسترده‌ای از اختیارات یا شورایی عالی انقلاب فرهنگی با وی است و از نمونه‌های بارز اخیر آن ریاست وی بر ستاد ملی کرونا می‌باشد.

ه- موقعیت اقتصادی رئیس‌جمهور نیز جایگاه ویژه او را تقویت نموده است؛ کما این‌که حدود نود درصد منابع عمومی و بودجه کشور در اختیار دولت وی می‌باشد. اختیارات اقتصادی رئیس‌جمهور نیز حائز اهمیت است و او می‌تواند با صدور فرامینی نظیر شفاف‌سازی قراردادهای اقتصادی و یا ایجاد بستر مناسب برای سوت زنی جهت افشای مفاسد اقتصادی، تحولات زیادی در این حوزه ایجاد نموده و یا حتی با اعمال سیاستهای اقتصادی (نظیر یکپارچه‌سازی «سامانه جامع تجارت» و «سامانه گمرک») محدودیتهای گسترده‌ای در قاچاق کالا اعمال کند.

و- در مورد «قانون تعیین حدود وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های ریاست جمهوری اسلامی ایران» نیز چنین به نظر می‌رسد که تنها چیزی که در این قانون وجود داشته، تفسیر موسع از اختیارات رئیس‌جمهور در اجرای قانون اساسی است و این در حالی بوده که وی در نظام قبل از اصلاحات قانون اساسی از اختیارات زیادی برخوردار نبوده است. حال با عنایت به تغییر قانون

اساسی، طبعا این قانون نیاز به بازبینی دارد؛ ضمن آن که مسلما محدود کردن اختیار اجرای قانون اساسی در درون قوه مجریه از سایر اختیارات وی نمی‌کاهد.

ز- نکته‌نهایی قابل تأمل، بحث درخصوص افزایش اختیارات رئیس‌جمهور است و این در حالی می‌باشد که به نظر می‌رسد تا کنون در هیچ دوره‌ای رؤسای جمهور از تمامی اقتدارات خویش و ظرفیتهای موجود در این سمت به نحو مناسب استفاده نکرده‌اند و در عین حال در انتهای دوره ریاست جمهوری هشت ساله خویش از کمی اختیارات خود گله‌مند بوده‌اند. طبعا بحث از افزایش اختیارات رئیس‌جمهور در صورتی حائز اهمیت می‌باشد که وی از اختیارات موجود خود استفاده کرده باشد.

فهرست منابع

- Aalikhanei, M. (2002). Iran's fundamental rights. Tehran: Dastan. [In Persian].
- Aghaei Togh, M. & Dowlat rafter-e haghighei, M.R. (2023). A new approach to legislative signing in the Iranian contribution. The Quarterly Journal of Judicial Law Views, 17(58), 13-46. [In Persian].
- Amide Zanjanei, A. (2006). Iran's fundamental rights. Tehran: University of Tehran. [In Persian].
- Ayat-allah Khamenei, S. A. (2005, May 1). Statements in the meeting of the people of Kerman. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/>. [In Persian].
- Ayat-allah Khamenei, S. A. (2017, June 5). The Leader's remarks in the ceremony marking the 28th passing anniversary of Imam Khomeini. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/>. [In Persian].
- Ayat-allah Khamenei, S. A. (2021, March 21). The Leader's message on the occasion of Nowruz 1400. Retrieved from <https://farsi.khamenei.ir/>. [In Persian].
- Azime, A. (2011). Getting to know the system of the Islamic Republic of Iran. Qom: Zamzam Hedayat. [In Persian].
- Bahadory Jahromei, M. (2021). Does the president have enough authority to solve people's problems? Retrieved from [Www.shora-gc.ir](http://www.shora-gc.ir). [In Persian].
- Darvishvand, A. (2020). The scope of the president's authority regarding the responsibility of implementing the Constitution. Retrieved from [Www.shora-gc.ir](http://www.shora-gc.ir). [In Persian].
- Ghamami, S. M. M., & Khalaf Rezaei, H. (2013). Mechanisms of resolving disputes and regulating the relations of the three branches of government in the Islamic republic of Iran (with comparative study of other legal systems). Public Law Knowledge Quarterly, 2(5), 61-82. [In Persian].
- Gorji Aznadreyani, A. A., & Rezaei, M. (2014). Resolving of powers disputes and regulation of powers relations in Islamic Republic of Iran. The Judiciarys Law Journal, 78(85), 113-144. [In Persian].
- Habibzadeh, T. & Boromand, M. (2012). The position of the presidential or parliamentary system in the Islamic Republic of Iran. Islamic State Legal Studies Quarterly, 1(1), 78-107. [In Persian].
- Hashemei, M. (2001). Fundamental rights of the Islamic Republic of Iran (The general principles and foundations of the system) (3rd Ed.). Tehran: Dadgostar. [In Persian].
- Hooshyar, M. (2017). Powers and responsibilities of the president in the constitution. Retrieved from www.iribnews.ir. [In Persian].
- Madanei, S.J. (1998). Fundamental rights and political institutions of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Nashr-e Hamrah. [In Persian].
- Majidei, M. (2010). An introduction to the constitution of the Islamic republic of Iran. Qom: Daftare Nashre Maaref. [In Persian].
- Nasehei, M. (1999). Governance of the jurisconsult and separation of powers. Qom: Islamic Advertisements Center. [In Persian].
- Nazarpoor, M. (2008). Getting to know the constitution of the Islamic Republic of Iran. Qom: Daftare Nashre Maaref. [In Persian].
- Piral, M. (2018). The Role of heading or parliamentary structure in the power of IRI's power: A study. Interdisciplinary Studies on Strategic Knowledge, 1(4), 133-154. [In Persian].

- PurRezaei Fashkani, M., & Abbasi Lahiji, B. (2019). The status of the high committee for resolving disputes and coordinating relations among triple powers in constitutional review. *Public Law Knowledge Quarterly*, 8(24), 65-86. [In Persian].
- Shabanei, GH. (2009). Fundamental rights and government structure of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Ettelaat. [In Persian].
- Zam, A. (2016). The Article 113 and the responsibility of implementing the constitution. *Islamic Government*, 20(4), 87-112. [In Persian].
- Zerang, M. (2005). The story of fundamental law in three countries Iran, France and America. Tehran: Islamic Revolution Documents Center. [In Persian].
- Zibakalam, S. (March 11, 2020). Government Seeks to Increase Hasan Rouhani's Powers. Interview with Sharq Newspaper. Retrieved from <https://www.sharqdaily.com/>. [In Persian].
- The Constitution of the Islamic Republic of Iran [In Persian].
- The Law Determining the Limits of Duties, Powers and Responsibilities of the President of the Islamic Republic of Iran. [In Persian].

